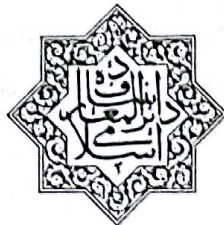


دانشنامه جهان اسلام

س

سکولارسیم - سنن

(۲۴)



زیر نظر

فلا معلى حدّ و عادل

معاون ملی

حسن طارمی راد

تهران ۱۳۹۶

ص ۹۵، ۹۷-۹۸). همین تلقی و توجه به مفهوم سنت الهی را در مکتوبات محمد رشیدرضا، شاگرد عبده، نیز به وضوح می توان دید (سه رشیدرضا، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴).

منابع: علاوه بر قرآن ابن خلدون ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۳ ش؛ محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، علق علیها عمر سلامی و عبدالکریم حامد، بیروت ۱۲۲۱/۱۲۰۱ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت ۱۹۶۸-۱۹۷۳؛ اسماعیل بن حماد جوهی، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ احمد عبدالغفور عطّار، قاهره ۱۳۷۶، چاپ است بیروت ۱۴۰۷؛ بکار محمود حاج جاسم، سنن الطبیعة و المجتمع فی القرآن الکریم: دراسة تأصیلیة تطبیقیة، دمشق ۱۲۳۳/۱۲۰۱؛ خلیلین احمد، کتاب العین، چاپ مهدی مخرومی و ابراهیم سامرائی، قم ۱۴۰۹-۱۴۱۰؛ محمد رشیدرضا، تفسیر القرآن الکریم الشهیر به تفسیر المنار، [تقریرات درس] محمد عبده، ج ۴، مصر ۱۳۶۷؛ سید علی خان مدنی، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین صلوات الله علیه، چاپ محسن حسینی امینی، قم ۱۴۱۵؛ محمدباقر صدر، السنن التاریخیة فی القرآن، چاپ محمدجعفر شمس الدین، در محمدباقر صدر، المجموعه الکامله لمؤلفات السید محمدباقر الصدر، ج ۱۳، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ طباطبائی؛ طبرسی؛ طوسی؛ عادل عیساوی، فقه السنن الالهیة و دورها فی البناء الحضاری، دوحه ۱۲۳۳/۲۰۱۲؛ محمد بن عمر فخر رازی، تفسیر الفخر الرازی المشتهر بالتفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ کلینی (بیروت)؛ محمد عبده، الاعمال الکامله للامام الشیخ محمد عبده، چاپ محمد غماره، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳؛ محمد فؤاد عبدالباقی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره ۱۳۶۴، چاپ افست تهران [؟ ۱۳۹۷]؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ۲، تهران ۱۳۸۱ ش.

/ اسماعیل باغستانی /

سنتری^۱، عنوان طلاب علوم دینی در مؤسسات آموزشی اسلامی پسترن^۲ و یکی از جریانهای فرهنگی - اسلامی در اندونزی. سنتری واژه ای مالایی - جاوی به معنای شاگرد است و در اصطلاح، طلبه علوم دینی را گویند. سنترها بیشتر در مدارس سنتی دینی (پسترن) علوم اسلامی را فرامی گیرند (← گرتس^۳ ص ۱۷۸، پانیس؛ وودورد^۴، ص ۱۴۰، ۲۵۹؛ > جنوب شرقی آسیا^۵، ذیل واژه؛ نیز ← پسترن^۶). برای سنترها ارتباط با استاد یا کیایی^۶ (عالم دینی) اهمیت فراوان دارد. درواقع، کیایی مرجع دینی سنتری است. کیایی، مانند اولیا، حتی پس از مرگ هم در بین طلاب تقدس دارد. سنترها کیایی را واسطه فیض الهی می دانند و تعالیم، احکام و آیینهای دینی را از وی می آموزند (← وودورد، ص ۱۴۰، ۱۴۶؛ > جنوب شرقی آسیا^۷).

(ص ۶۷-۶۸) با استناد به آباتی که در آنها بر تخلف ناپذیری بودن سنتهای الهی تأکید شده است، بر آن است که سنت خدا از طریق حوادث تاریخی آشکار می شود. او با اتکا بر اینکه سنتهای تاریخی نیز همچون قوانین علمی طبیعی تخلف ناپذیر و تابع نظام علی و معلولی اند، قانون تاریخی را واجد حجتی همانند قوانین طبیعی می شمارد و بر عمومیت، استمرار و تخلف ناپذیری آن تأکید می ورزد و یادآور می شود که سنت تاریخی الهی است، زیرا خدا قدرت خود را از مجرای این سنتها اعمال می کند. با این حال، او (ص ۶۹-۷۱) تأکید می کند که الهی بودن سنت تاریخی را نباید با مفهوم تاریخ قدسی در سنت مسیحی یکسان پنداشت، بلکه الهی بودن سنت تاریخی به این معناست که خداوند این قوانین را ایجاد کرده و قدرت و اراده خود را از طریق همین قوانین دائم و تخلف ناپذیر و ارتباط میان حوادث تاریخی تحقق می بخشد. صدر (ص ۷۱-۷۲) همچنین اشاره می کند که ثبات و استمرار قوانین تاریخی از سوی خدا منافی اختیار انسان نیست، بلکه انسانها بر اساس اعمال اختیاری خود مستحق یکی از سنتهای تاریخی اند که همچون قوانین طبیعی از سوی خدا ایجاد شده است. حاج جاسم (ص ۳۰-۳۴) نیز همچون صدر سه ویژگی الهی بودن، تابع نظام علی و معلولی بودن و شمول آن بر همه جهان هستی (اعم از انسانها، جهان مخلوقات و جوامع) را از خصائص سنن الهی دانسته است. وی (ص ۳۰-۳۱) تأکید می کند که الهی بودن سنن به این معناست که قوانین طبیعی و اجتماعی فارغ از مشیت الهی صورت نمی پذیرند، نظام علیت* درحقیقت همان سنت الهی است که خدا در جهان آفرینش برقرار کرده است، و استمرار این سنتها نیز بر اساس اراده خداست. حاج جاسم (ص ۳۶) مجموعه سنتهای الهی را به سه دسته سنن انفسی، سنن اجتماعی و سنن طبیعی تقسیم کرده است. به عقیده وی (ص ۳۵-۳۶)، این سنن ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، چنانکه تغییر جامعه منوط به تغییر نفوس است و تغییر جامعه نیز موجب ظهور تغییر و فساد در جهان خلقت خواهد گشت. در میان دانشمندان مسلمان پیش و بیش از همه، ابن خلدون (متوفی ۸۰۸) کوشیده است با تأکید بر مفهوم «سنة الله» عوامل قدرت و انحطاط ملتها را تبیین کند (برای نمونه ← ج ۱: مقدمه، ص ۱۷۳، ۱۸۳، ۲۰۴، ۲۰۹-۲۱۰، ۲۳۰). در دوره معاصر نیز محمد عبده (متوفی ۱۳۲۳) به مفهوم سنن الهی توجهی ویژه داشته و حتی پیشنهاد کرده است که به سیاق دیگر علوم اسلامی، همچون عقاید و فقه و اصول، علم سنن الهی نیز تأسیس و تدوین شود (← ج ۳، ص ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۷۶، ج ۵،

بسترن که سهمی مهم در اسلامی شدن جاوه داشت. در تقویت جریان ستري در میان جمعيتهای مسلمان جاوی مؤثر بود (به ادامه مقاله). رشد و توسعه بسترن در مرکز و شرق جاوه ارتباط نزدیکی با دسپردیکان^۸ داشته است. دسپردیکان قسمتی مشخصی از شهر یا دهکده بود که به انجام دادن امور دینی اختصاص داشت و ظاهراً میراث دینی - فرهنگی امپراتوری هندو - بودایی ماجاپاهیت بود. با ورود و گسترش اسلام در این مناطق، وظیفه تأسیس و نظارت بر آرامگاههای مسلمانان و مساجد به دسپردیکان که به نهادی دینی بدل شده بود، محول شد. همچنین، امتیاز ویژه تأسیس بسترن و گسترش آن نیز به دسپردیکان اختصاص یافت. با نفوذ و گسترش استعمار هلند در جاوه، دسپردیکان پناهگاه مطمئن مسلمانان ستري شد. پس از ورود نظام آموزشی غربی به اندونزی، شمار بسترنها و ستريها افزایش چشمگیر یافت و ستريها با آموختن علوم دینی در بسترنها چنان قدرتمند شدند که توانستند از اسلام و هویت اسلامی خود در برابر استعمار هلند محافظت کنند (همو، ۱۹۹۷، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ نیز به زینی محترم، ص ۵۰). از سوی دیگر، مهاجرت اعراب خضرمی به این مناطق موجب تقویت و گسترش پایبندیهای اسلامی و در نتیجه تقویت بسترنها و جریان ستري در جاوه شد (به زینی محترم، ص ۴۹-۵۰).

در اواخر دوران استعمار هلند در اندونزی، بر اثر ایحاد تغییرات اجتماعی و اقتصادی و تأثیر نظام آموزشی و تربیتی غربی و ورود گرایشهای اصلاح طلبی اسلامی از مصر، خودآگاهی سیاسی در اندونزی افزایش یافت و این دوره به دوره بیداری ملی مشهور شد. جریان ستري در ظهور و گسترش احزاب سیاسی اسلامی و ملی گرا چون سرکت اسلام^۹ در این دوره نقشی مهم داشت (به همان، ص ۷۹-۸۰). در اواخر قرن سیزدهم / نوزدهم، در بین جریان اسلامی ستري و نخبگان تحصیل کرده غربی (پریایی)^{۱۰} که در پی احیای فرهنگ پیشااسلامی و تجدید عظمت امپراتوری هندو - بودایی ماجاپاهیت بودند، اختلاف فزونی یافت و موجب شد جامعه اندونزی دوقطبی شود. این امر در قرن چهاردهم / بیستم به تقابل اندیشه های ملی گرایانه (به نفع دولت سکولار) و جریان ستري (برای تشکیل دولت اسلامی) منجر شد (فیلارد^{۱۱}، ص ۵۲؛ نیز به هفتر، ص ۹۰، یادداشت ۱) و ظهور جنبشهای ملی گرا تقابل سیاسی جریان ستري و آبانگان را موجب شد. همچنین در دوره اشغال ژاپن (۱۳۲۱-۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۲-۱۹۴۵)، قدرت یابی

همانجا). ستريهایی که شبانه روز در بسترن اقامت دارند، «ستري موکیم»^۱ (ستريهای مقیم) و آنهایی که فقط برای شرکت در جلسات درس در بسترن حاضر می شوند، «ستري کالونگ»^۲ (ستريهای کوچک) خوانده می شوند (ازرا^۳، ۱۹۹۷، ص ۱۶۵). مسلمانان ستري به رعایت احکام اسلامی و انجام دادن اعمالی چون نمازهای پنجگانه، زکات، حج و روزه بسیار پایبندند و از تلفیق عناصر غیراسلامی با عقاید دینی می پرهیزند (گرتس، ص ۱۲۷؛ > جنوب شرقی آسیا <، همانجا). مسلمانان ستري تحقیق در علوم دینی را رکن ضروری اسلام می دانند و معتقدند ستري باید همواره در جستجوی منشأ علوم و معارف دینی باشد. همچنین، از نظر آنها برخی اعمال دینی چون نماز، باید به صورت جمعی برگزار گردد (وودورد، ص ۱۴۸). حتی بعضی از ستريهای عضو سازمان محمدیه^۴ با برپایی مناسک عرفانی مخالفاند و آن را صورتی از شرک می دانند. آنها هرگونه عمل عرفانی و معنوی فاقد خاستگاه اسلامی و متأثر از آداب و رسوم بومی را انکار می کنند و فقط نماز شب، قرائت قرآن و تفسیر عرفانی از نماز را مصداق عمل عرفانی می دانند (همان، ص ۲۳۷؛ نیز به هفتر^۵، ص ۷۶).

ستريها در جامعه اندونزی مسلمانان ملتزم به شریعت به شمار می روند. بر این اساس، جریان ستري (مشهور به پوتیهان^۶ به معنای سفید) را نقطه مقابل جریان مسلمانان آبانگان^۷ (در جاوی به معنای سرخ) در اندونزی می دانند، چرا که آبانگانها در برگزاری آیینها و شرایع اسلامی چندان سختگیر نیستند و آن را با آداب و رسوم بومی (عمدتاً آیینهای بودایی و هندویی پیشااسلامی در جنوب شرقی آسیا) تلفیق می کنند (به گرتس، ص ۱۲۶-۱۲۹؛ وودورد، ص ۱۱۵-۱۱۶؛ فیلی^۸ و همکاران، ص ۳۹-۴۰). مسلمانان ستري همچون مسلمانان آبانگان مراسم تولد، ختنه، ازدواج و مرگ را به صورت جمعی و در ضیافتی به نام سلامتان^۹ برگزار می کنند، اما آداب و رسوم آنها در سلامتان با هم متفاوت است (> جنوب شرقی آسیا <، همانجا).

شماری از پژوهشگران بر اهمیت جریان ستري در گسترش اسلام در اندونزی تأکید کرده اند؛ تا جایی که تاریخ اسلام در اندونزی را اساساً حاصل گسترش فرهنگی جریان ستري و تأثیر آن بر حیات دینی و سیاسی اندونزی دانسته اند. آنها بر این باورند، که در حدود چهارصد سال گذشته در اندونزی اسلام متشرعانه تقویت شده و از تأثیر و اهمیت عناصر و آیینهای غیراسلامی کاسته شده است (به ازرا، ۲۰۰۸، ص ۳).

1. santri mukim

2. santri kalong

3. Azra

7. Fealy

8. desaperdikan

9. Zaini Muchtarom

4. Hefner

5. putihan

6. abangan

10. priyayi

11. Feillard

and Remy Madnier, London: Routledge, 2011; Clifford Geertz, *The religion of Java*, Chicago 1976; Robert W. Hefner, "Where have all the abangan gone? religionization and the decline of non-standard Islam in contemporary Indonesia", in *The Politics of religion in Indonesia*, ibid; *The Politics of religion in Indonesia*, ibid; *Southeast Asia: a historical encyclopedia, from Angkor War to East Timor*, ed. Ooi Keat Gin, Santa Barbara, Calif.: ABC-CLIO, 2004, s.v. "Santri" (tr. Rosemary Robson-McKillop and Elly Touwen- Bouwsma); Mark R. Woodward, *Islam in Java: normative piety and mysticism in the sultanate of Yogyakarta*, Tucson 1989; Zaini Muchtarom, "Santri and abangan in Java", M.A. thesis, McGill University, 1975.

/ فائزه رحمان /

سنت‌گرایی^۵، از جریانهای فکری معنویت‌گرا در قرن بیستم / چهاردهم که برخی از بنیان‌گذاران و مدافعان آن مسلمان شدند و آرای آنها در برخی کشورهای اسلامی طرفدار پیدا کرده‌است. سنت‌گرایی در اوایل قرن بیستم / چهاردهم با رنه گنون^۶ در فرانسه آغاز شد. آناندا کتیش کوماراسوامی^۷ و فریتهوف شوان^۸ از دیگر چهره‌های برجسته آن و از مؤلفان این تفکر در اروپا و آمریکا بودند. گنون تعبیر سنت‌گرایی را درباره کسانی به کار می‌برد که بدون شناخت دقیق و کامل سنت حقیقی و اصول آن از سنت دم می‌زنند و خود بیشتر از سنت ازلی^۹ یا متافیزیک^{۱۰} سخن می‌گفت (کنون^{۱۱} ص ۱۴-۱۵). اما اندکی پس از گنون تفکر او با همین عنوان سنت‌گرایی مشهور شد (اولدمدو^{۱۲}، ۲۰۰۰، ص ۷۸). از سوی دیگر، تفکر شوان به سبب تکیه بیشتر بر حکمت جاودان^{۱۳} فلسفه جاودان^{۱۴} یا دین جاودان^{۱۵} به جاودان‌گرایی^{۱۶} معروف شد. با این حال، امروزه اصطلاح سنت‌گرایی معمولاً برای کل این جریان فکری و معنوی به کار می‌رود (همو، ۲۰۱۰، ص ۷۲-۷۱). ایمرد^{۱۷} و لود^{۱۸}، ص ۷۹-۸۰). پس از مهاجرت شوان به آمریکای شمالی و استقرار وی در شهر بلومینگتون^{۱۹} در ایالت ایندیانا^{۲۰} این شهر کانون سنت‌گرایی شد. سنت‌گرایی در دیگر مناطق جهان به ویژه انگلستان، ایتالیا، رومانی و برخی

سیاسی جریان سنتی مقدمات تشکیل سه نهاد ملی و اسلامی ماشومی^{۲۱}، حزب الله و اداره امور دینی^{۲۲} را فراهم آورد (به زینتی محترم، ص ۸۸-۸۹؛ نیز به گرتس، ص ۱۴۴-۱۴۲؛ > سیاست دین در اندونزی^{۲۳}، مقدمه پیکار^{۲۴}، ص ۱۲-۱۳).

پس از استقلال اندونزی و در دوران ریاست جمهوری سوکارنو (۱۳۲۴-۱۳۴۵ ش / ۱۹۴۵-۱۹۶۷)، تمایز فرهنگی آشکاری بین دو جریان سنتی و آبانگان پدید آمد. مسلمانان آبانگان خود را مسلمانان حقیقی یا مسلمانان جاوی و مسلمانان سنتی را از روی استهزا اعراب یا مسلمین می‌خواندند. مسلمانان سنتی نیز رقباي خود را به سبب داشتن تمایلات کمونیستی «اسلام آبانگان» یا «مسلمانان سرخ» می‌خواندند و تحقیر می‌کردند (دنیلز^{۲۵}، ص ۵۰؛ هفتر، ص ۷۱؛ > سیاست دین در اندونزی<، همان مقدمه، ص ۹). رقابت سیاسی دو جریان سنتی و آبانگان در تقابل اسلام و کمونیسم در دهه‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ ش / ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ نیز ظهور کرد و به درگیری و خشونت بین طرفداران این دو جریان منتهی شد. در کودتای مهر ۱۳۴۴ / اکتبر ۱۹۶۵، مسلمانان سنتی با کمک به ارتش، در سرکوب کمونیستها و در نتیجه قتل عام گسترده مسلمانان آبانگاه نقشی مهم داشتند (هفتر، همانجا؛ > سیاست دین در اندونزی<، همان مقدمه، ص ۱۴؛ زینتی محترم، ص ۸۲).

منابع:

Azyumardi Azra, "Education, law, mysticism: constructing social realities", in *Islamic civilization in the Malay world*, ed. Mohammad Taib Osman, Kuala Lumpur: Dewan Bahasa dan Pustaka, 1997; idem, *Islam in Southeast Asia: between tolerance and radicalism*, Singapore 2008; Timothy Daniels, *Islamic spectrum in Java*, Surrey, Engl. 2009; Greg Fealy, Virginia Hooker, and Sally White, "Indonesia", in *Voices of Islam in Southeast Asia: a contemporary sourcebook*, compiled and edited by Greg Fealy and Virginia Hooker, Singapore: Institute of Southeast Asian Studies, 2006; Andrée Feillard, "The constrained place of local tradition: the discourse of Indonesian traditionalist ulama in the 1930s", in *The Politics of religion in Indonesia: syncretism, orthodoxy, and religious contention in Java and Bali*, ed. Michel Picard

1. Kantor Urusan Agama

2. *The Politics of religion in Indonesia*

3. Picard

4. Daniels

5. traditionalism

6. René Guénon

7. Ananda Kentish Coomaraswamy

8. Frithjof Schuon

9. primordial tradition

10. metaphysics

11. Quinn

12. Oldmeadow

13. sophia perennis

14. philosophia perennis

15. religio perennis

16. perennialism

17. Aymard

18. Laude

19. Bloomington

20. Indiana